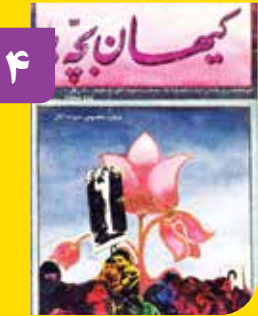
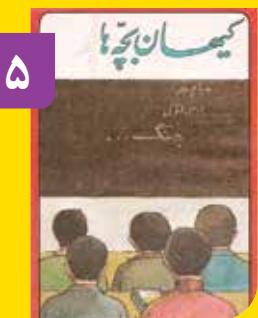


روز دانش آموز



در این شماره از «کیمهان بچه‌ها»، روز سیزده آبان که در تقویم رسمی کشور به عنوان «روز دانش آموز» شناخته می‌شود، محور مطالب این نشریه قرار گرفته است. در واقع، شعرها و داستان‌های شصتین شماره مجله که در سال ۵۹ عرضه شده، با این مضمون و هدف که بچه‌ها به جایگاه دانش آموز در حیطه‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بیشتر پی ببرند نوشته شده‌اند.

دفاع مقدس



در این شماره «کیمهان بچه‌ها» که در سال ۱۳۶۰ منتشر شده است، دفاع مقدس هم‌چنان مهم‌ترین درونمایه برای مطالب این مجله قلمداد می‌شود. به طوری که آثار داستانی و اشعاری که فعالان حوزه ادبیات کودک و نوجوانان در این شماره نوشته‌اند، تماما نشانگر این موضوع است که نویسندگان و شاعران این حیطه با دغدغه‌مندی از این موضوع، به ارائه اثر پرداخته‌اند.

شماره انقلاب



۱۲۶مین شماره مجله «کیمهان بچه‌ها» با عنوان دوره جدید برای بچه‌های انقلاب منتشر شد. در این شماره، تمرکز مطالب بر تأثیرات پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف قرار داشت. به طوری که از روی جلد مجله مشخص است، این شماره به بهار آزادی اشارات مستقیمی داشته و مطالبی در این ارتباط برای کودکان و نوجوانان نوشته شده است. ضمن این که در این شماره، ضمیمه «شاپرک» برای خردسالان نیز ارائه شده بود.

به ارائه آثار بپردازیم؛ منتهی باید به این مسئله توجه داشت که بچه‌های امروز، آثاری با محتوای تبلیغاتی و آموزشی که جنبه پند و نصیحت داشته باشد را به شدت پس می‌زنند. بنابراین، در ارتباط با تولیدات ادبی کودک و نوجوان می‌توان به سمت مضامینی رفت که دغدغه و مسئله کودکان و نوجوانان باشد.

اگر باز هم خاطره‌ای از سال‌های فعالیت‌تان در «کیمهان بچه‌ها» دارید بگویید؟

یادم هست در سال ۱۳۵۰، خانه ما از دکه روزنامه‌فروشی دور بود و «کیمهان بچه‌ها» فقط در یک کیوسک در میدان آستانه قم به فروش می‌رسید. خوب یادم هست، نام صاحب دکه آقای بابایی بود. من روزهای پنج‌شنبه با یکی از بچه‌های محل، راه خیلی طولانی را طی می‌کردیم تا به دکه آقای بابایی برسیم و بتوانیم «کیمهان بچه‌ها» را تهیه کنیم. گاهی اوقات، آقای بابایی من را جای خود در دکه می‌گذاشت و می‌رفت تا به کارهای دیگری برسد. کم‌کم مدت‌های طولانی‌تری را در دکه ایستادم. ساعت‌ها ماندن در دکه باعث می‌شد مجلات را ورق بزنم و بخوانم. تا این که سال‌ها بعد، از طرف روزنامه اطلاعات به من پیشنهاد شد تا به عنوان خبرنگار بخش نوجوانان با آنها همکاری کنم، من هم قبول کردم. بعد از مدتی هم خبرنگار روزنامه «جوانان» و مجله «اطلاعات هفتگی» شدم. یادم هست در آن سال‌ها، از سه خبرنگار از کل کشور تقدیر کردند که از شهرهای قم، آبادان و اراک انتخاب شده بودند، مراسمی هم در این زمینه در ساختمان روزنامه اطلاعات کنار پارک‌شهر در خیابان خیام برگزار شد. من هم از شهر قم به عنوان خبرنگار برتر انتخاب شدم. به هر حال مسئله‌ای که در ارتباط با «کیمهان بچه‌ها» می‌توان گفت، این که وقتی برای اولین بار «کیمهان بچه‌ها» به دستم رسید، برای اولین بار با دنیای مجله و روزنامه‌نگاری آشنا شدم.

حیف است این گفت‌وگو به پایان برسد و به نقش کلیدی زنده‌یاد امیرحسین فردی در کیمهان بچه‌ها اشاره نکنیم، اگر ممکن است درباره ویژگی‌های شخصیتی و تأثیرگذاری ایشان در این نشریه خاطره‌انگیز بگویید؟

آقای فردی، انسان مردم‌داری بود و می‌کوشید همه نویسندگان و شاعران را با گرایش‌های مختلف به مجله جذب کند. اما یادمان نرود که این مجله بخشی از یک مجموعه به نام موسسه کیمهان بود که مواضع سیاسی خاص خود را داشت. با این وجود، امیرحسین فردی می‌کوشید فضای کودکانه مجله حفظ شود.

کودک و نوجوان درباره خاطراتش از مجله «کیمهان بچه‌ها» می‌گوید: درست است که خانواده ما فرهنگی نبود و زیاد با کتاب و مجله سروکار نداشت، اما معلمانی داشتیم که در مدرسه ما را به سمت کتاب و مجله تشویق می‌کردند. در آن سال‌ها، تعداد دکه‌های روزنامه‌فروشی، فروشگاه‌های کتاب و کتابفروشی‌ها هم در قیاس با امروز محدود بود و به همان نسبت، پول توجیبی چندانی هم دریافت نمی‌کردیم. با این حال؛ خود من از نوجوانانی بودم که پول توجیبی‌هایم را جمع می‌کردم و «کیمهان بچه‌ها» را می‌خریدم. امروز اما مجله تولید می‌شود و در مدرسه در دست بچه گذاشته می‌شود اما او مجله را نمی‌خواند! به طور کلی، عشق و انگیزه زیادی برای خواندن مجله در آن دهه‌ها وجود داشت که به‌نظرم با هیچ دهه دیگری قابل قیاس نیست، البته شرایط هم فرق کرده است.

ضمن این که در آن دهه‌ها، جشنواره‌های مختلف ادبی برگزار می‌شد و نویسندگان و شاعران با شرکت دادن آثارشان در این جشنواره‌ها، به نوعی توانایی‌های خود را محک زده و می‌آزمودند. اما رفته‌رفته، تعداد جشنواره‌های ادبی کمتر شد و به همان نسبت، چراغ نشریات به دلیل مشکلات اقتصادی روبه‌خاموشی گذاشت. جامعه فرهنگی همواره نیازمند دیده شدن و مورد احترام قرار گرفتن بوده است، اما بعد از تعطیلی نشریات، بعضی از نویسندگان ناچار شدند برای تأمین امرار معاش راه‌های دیگری را انتخاب کنند. به‌عنوان مثال، بعضی از آنها به سمت نگارش کتاب‌های زرد و اصطلاحاً عامه‌پسند رفتند، بعضی دیگر از نویسندگان هم به سمت ترجمه رفتند و اصولاً خلاقیتی که این نویسندگان در مجلاتی مانند «کیمهان بچه‌ها» و «رشد» نشان می‌دادند کم‌رنگ شد.

رئیس هیات مدیره انجمن ناشران

می‌شدیم و داستان می‌خواندیم. بعضی، بر این باورند کیمهان بچه‌ها در دهه ۶۰ توانست نسل کودک و نوجوان آن زمان را با شعر و داستان پیوند دهد و بیشتر با مقوله ادبیات آشنا کند، نظر شما در این باره چیست؟

«کیمهان بچه‌ها» به معنی واقعی کلمه؛ پناه بچه‌هایی بود که می‌خواستند داستان و شعر بخوانند. در آن دهه، دسترسی به کتاب و مجله به اندازه امروز نبود. اما به هر حال، همان تعداد دکه‌های روزنامه‌فروشی، همیشه «کیمهان بچه‌ها» را داشتند و این مجله چندان که اشاره کردم، به کتابخوان شدن طیف وسیعی از کودکان و نوجوانان کشور مان کمک کرد. میزان تأثیرگذاری «کیمهان بچه‌ها» تا اندازه‌ای بود که باعث شد بعدها، تعدادی از نوجوانان به عضویت کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان درآمده و سیر مطالعه علاقه‌مندی خود را در این مکان پی بگیرند. جالب این است که از دل جلسات داستان‌خوانی «کیمهان بچه‌ها»، نویسندگانی پدید آمدند که امروز شاخص هستند. از سوی دیگر، داستان‌هایی که در «کیمهان بچه‌ها» چاپ می‌شد مورد نقد و نظر مختلف خوانندگان قرار می‌گرفت و کودکان و نوجوانان به خاطر بازتاب این آثار، نظراتشان را در قالب نامه برای «کیمهان بچه‌ها» می‌فرستادند. جالب است که بگویم، بعضی از خوانندگان مجله «کیمهان بچه‌ها»، خودشان بعدها نویسنده شدند.

به نظر شما ممکن است باز هم زمانی فرا برسد که بچه‌ها به سمت خواندن مجلات بروند و یا مجله‌ای مانند «کیمهان بچه‌ها» پدید بیاید که از محبوبیت بالایی برخوردار باشد و بتواند در کنار سرگرمی‌های اینترنت، کودکان و نوجوانان را به سمت مطالعه هم سوق دهد؛ یا شاید هم این تعبیری ایده‌آلیستی است؟

نه اصلاً آرزوی ایده‌آلیستی و دور از ذهنی نیست. فقط این که محقق شدن چنین مسئله‌ای نیازمند مدیریت و شناسایی ذائقه بچه‌های امروز است. با نیازسنجی می‌توان آثاری را در حوزه شعر و داستان تولید کرد که بچه‌ها به سمت خواندن این مطالب جذب شوند. در این زمینه، می‌توان از تکنولوژی بهره گرفت و همان‌طور که اینترنت، امروز در سراسر دنیا بر زندگی ما غلبه دارد، از این مسئله استفاده بهینه کرد و به راه‌اندازی نشریات الکترونیکی در فضای مجازی پرداخت. طبعاً این قدر با تنوع موضوع در ادبیات کودک و نوجوان مواجه هستیم که می‌توانیم تا سال‌ها

تشکیل داده‌اند. البته شرایط حوزه نشر هم در آن سال‌ها به مراتب بهتر از وضعیت فعلی نشر بود. به طوری که، در دهه ۷۰، تیراژ فقط مجله «نوآموز رشد» دو میلیون بود. یا همین‌طور، «کیمهان بچه‌ها» که سال‌ها از تیراژ بالایی برخوردار بود. فریدون با اشاره به این که «کیمهان بچه‌ها» پاتوقی برای برگزاری نشست‌های داستان‌خوانی و شعرخوانی بود می‌گوید: زنده‌یاد فردی در مرکز این دایره قرار داشت و سعی می‌کرد دوره‌های برگزاری این جلسات را منظم و متوالی نگه دارد. از سویی دیگر، نیروهای جوانی که در این نشست‌ها حضور داشتند، عمدتاً نویسندگانی بودند که اگرچه در ابتدای این مسیر بودند، اما نیازهای بچه‌ها را به‌درستی می‌شناختند و به‌تناسب شناخت ذائقه کودکان و نوجوانان به نگارش داستان و شعر می‌پرداختند. شاید بتوان رونق کتاب و کتابخوانی را در نقش پراهمیت نشریات در آن دهه دانست.



«کیمهان بچه‌ها»، پناه بچه‌هایی بود که می‌خواستند داستان و شعر بخوانند. در آن دهه، دسترسی به کتاب و مجله به اندازه امروز نبود. اما به هر حال، همان تعداد دکه‌های روزنامه‌فروشی، همیشه کیمهان بچه‌ها را داشتند